

# باید بروی آمریکا!

میلیون ها عراقی دیروز با برپایی راهپیمایی بی سابقه در بغداد به آمریکا هشدار دادند در صورت عدم خروج نظامی از خاک عراق به عنوان اشغالگر با آنها برخورد خواهند کرد



با یادداشت هایی از سیدرضا صدر الحسینی و محمدباقر خرمشاد  
خیزش دوباره علیه اشغالگری این تظاهرات سوخت هوشک های عراق است

## ادامه واکنش ها به مخفی کاری کاخ سفید درباره آمار تلفات حمله موشکی ایران به پایگاه آمریکایی سناتور مورفی: ترامپ درباره عین الاسد فریبکاری کرد

خبر در آستانه استیضاح رئیس جمهور ایالات متحده در سننا، مصائب عین الاسد نیز به اختلافات بفرنج دونالد ترامپ با کنگره افزوده است. برای نخستین بار پس از حمله موشکی هشتم ژانویه سپاه پاسداران به مهم ترین پایگاه نظامی آمریکایی ها در غرب عراق، یک سناتور صریحا دولت واشنگتن را درباره آمار واقعی تلفات و خسارات آمریکا در جریان این حمله استنطاق و ترامپ را به دروغگویی در این مورد متهم کرد. این در حالی است که وزیر دفاع ایالات متحده به فاصله کمتر از ۲ روز پس از نخستین اعتراف رسمی پنتاگون درباره افزایش آمار نظامیان مجروح پایگاه عین الاسد، در کمال تعجب از آمار دقیق آنها اظهار بی اطلاعی کرد. سخنگوی دستگاه نظامی ترو ریستی آمریکا هفته گذشته در بیانیه ای در واکنش به بستری شدن دست کم ۱۲ نفر از نظامیان شان در کویت، اعلام کرده بود مجروحان دیگری نیز به خاطر ضربه مغزی در بیمارستان های نظامی آلمان بستری شده اند. تناقضات میان آمار منابع مختلف پنتاگون نیز جالب توجه بود چون علاوه بر این، گزارش منابع بیمارستان نظامی آمریکایی ها در کویت حاکی از بستری شدن ۱۶ مجروح موری در آن بود. با این وجود در گزارشی که دیروز روی تارنمای وزارت دفاع ایالات متحده قرار گرفت، آمده است شخص وزیر، مارک اسپر در نشست مطبوعاتی اخیر خود در پاسخ به سوال یک خبرنگار که تعداد موارد ضربه مغزی در حمله به عین الاسد را پرسیده بود پاسخی فرافراکتانه می دهد: «من از آمار اطلاعی ندارم. من پزشک نیستم یا کسی که آنها را معاینه می کند». این پاسخ کسی است که مسئول مستقیم حوادثی است که برای نظامیان آمریکایی در گوشه و کنار جهان رخ می دهد. اما بازی موش و گربه کاخ سفید و پنتاگون با رسانه ها و کنگره، رویه پنهانکاری تلفات و ضربات سنگین از تش ترو ریستی آمریکا در عراق را آشکار می کند. پیش تر هم ترامپ ضربه مغزی چندین نظامی را تنها «سر درد» توصیف کرده و بلوف زده بود: «من این جراحتم را در مقایسه با جراحتهایی که دیدهام، جدی قلمداد نمی کنم». این اظهار نظر ترامپ منجر به واکنش های سیاسی در بالاترین سطح در آمریکا شد. جو بایدن، معاون اوباما رئیس جمهور پیشین آمریکا در توییته به

## درباره پیامدهای شهادت سپهبد قاسم سلیمانی پساسلیمانی و خطر تفکر هوکی

یادداشت حسن رضایی: فهم واقعیت و پیامدهای شهادت حاج قاسم سلیمانی برای تحلیل شرایط آینده منطقه و سیاست خارجی کشور در حوزه های مختلف بسیار ضروری است. حاج قاسم بزرگ بود، خیلی بزرگ. برخی بر همین مبنا، ایجاد یک خلأ بزرگ در نتیجه شهادت او را سرراسم ترین تحلیل در این زمینه می دانند و چه بسا این غم بزرگ را در خفا و با حسرت هم با خود تکرار می کنند تا خدای ناکرده نامحرمی نشوند و بر زخم ما ملهله کند. چنین تحلیلی، همان برداشت و روایت آمریکایی ها از شهادت سردار عزیز ما است. برایان هوک، مسوول میز ایران در وزارت خارجه آمریکا اخیرا در همین زمینه گفته است: «مهره «شاه» از بازی شطرنج حذف شده و ایران عقب کشیده است». واقعیات اما چقدر با این تحلیل آمریکایی ها منطبق است؟ علاوه بر تاریخ، تحولات پس از شهادت سردار هم به ما می گوید هیچ! هوک اما انقدر احمق هست که در عصر قدرت نرم، برای خوشامد رئیس جمهوری احمق تر از خودش، ترور کور او را ابزار قدرت و حتی ابزار غلبه بر جبهه مقابل معرفی کند. این البته رسم استکبار است که در هر شرایطی اولدرم بولدرم کند، واقعیت اما این است که آمریکا نه تنها در نبرد نرم که در جنگ سخت هم قافیه را در یک نقطه عطف تاریخی ساخته و در شرایط فعلی، سرخی سیلی عین الاسد بر صورتش زیاده از حد زار می زند. ما اما در این سو با چه شرایطی مواجهیم و آن خلأ بزرگ چقدر مصداق دارد؟ برای پاسخ به این سوال باید پیش از هر چیز ضمن خروج از چارچوب ذهنی آمریکایی ها، با چشم انقلاب اسلامی به موضوع نگاه کرد. به بیان دیگر در تحلیل پیامدهای شهادت سردار سلیمانی نباید در دام تفکر مادی و اعداداندیش غرب اسیر شد. غرب طبعاً نمی فهمد و نخواهد فهمید تاثیر شهید ابراهیم هادی چندین برابر تاثیر ابراهیم هادی رزمنده است، چنانکه هرگز درک نمی کرد ما بتوانیم یک روز خرمنشهر را آزاد کنیم. آنها به غافلگیری در برابر ما عادت کرده اند، از فتوای تحریم تنباکو تا صبح تسخیر لانه جاسوسی. از شب حمله به عین الاسد تا همین محشر کبرای تشییع حاج قاسم.

## خاورمیانه جدید بدون آمریکا ثوره العشرین الثانية، به عراق محدود نمی شود!

نگاه میکائیل دباتی: نجفرفته ها حتما با میدان «ثوره العشرین» مواجه شده اند اما شاید هیچ وقت به آن فکر نکرده بودند که ثوره العشرین نماد چیست؟! اما حالا آنها پیش از هر زمان دیگری با این کلمه دربار عراق مواجه می شوند. پس از جنگ اول جهانی و فروپاشی دولت عثمانی، انگلستان و فرانسه بخش های زیادی از متصرفات عثمانی را تحت سلطه خود قرار دادند. انگلیسی ها به طمع منابع عظیم نفتی عراق وارد این کشور شدند و عراق را به استعمار خود درآوردند؛ این روند اما برای عراقی ها قابل تحمل نبود. انقلاب ۱۹۲۰ عراق که عراقی ها به آن «ثوره العشرین» می گویند تابستان ۱۹۲۰ با تظاهرات گسترده مردم عراق، ضد اشغال عراق توسط نیروهای بریتانیایی آغاز شد. شورش با گسترش به مناطق شیعه نشین پایین و میانی فرات با مرکزیت کربلا شدت گرفت. جوامع سنی و شیعه عراق در این انقلاب با یکدیگر همکاری کردند، چنانکه جوامع قبایله ای، توده های شهری و افسران عراقی در سوریه هدف انقلاب استقلال از استعمار بریتانیا و تأسیس یک دولت عرب بود. رهبری نهضت را آیتالله العظمی میرزای شیرازی برعهده داشت. این انقلاب اولین انقلاب مسلحانه ضد استعماری در منطقه خاورمیانه بود. یکی از آثار این انقلاب تضعیف قدرت استعماری انگلستان در ایران و فراهم کردن مقدمات لغو قرارداد وثوق الدوله مورخ ۱۹۱۹ بوده است؛ و در واقع نهضت ملی ایران را باید دنباله رو انقلاب ۱۹۲۰ عراق دانست تا آنجا که آیتالله کاشانی چهره مؤثری در هر دو انقلاب است. آیتالله العظمی میرزای شیرازی با تأسیس مجلس انقلاب و انجمن های محلی بر اساس قوانین اسلامی، توانست اولین حکومت اسلامی معاصر را در شهر کربلا ایجاد کند. پس از صدام عراقی پلاکاردهای «ثوره العشرین» نام گرفت و حالا جوانان دست گرفته اند و این بار بعد از ۱۰۰ سال می خواهند آمریکایی ها را بیرون کنند. خطای راهبردی ترامپ در غرب آسیا سرعت تحولات این منطقه را بالا برده است. او تصور می کرد با ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس در دسر هایش را کمتر می کند اما عراقی ها که چند ماهی است مسائل اقتصادی و اجتماعی، آنها را به خیابان ها

تهدید تولید ملی  
خرید کالای خارجی؛  
0 107354 683291